

در مساله مذهب دچار مشکل شده ام (سوال خوانندگان)



سلام دکتر شیری عزیز ☺

موضوعی مدتهاست ذهن من رو درگیر کرده که لطف بینهایت بزرگی میکنید که در این راه کمک کنید من تو مسئله مذهب دچار مشکل شدم شاید سالها بهش فکر نمیکردم اما نزدیک یکسال هست ک ذهنم رو درگیر کرده



"It sort of makes you stop and think, doesn't it."

اینکه من مسلمانم و باید به دستوراتی که خداوند داده عمل کنم (اما در مورد نوع پوشش اینکار روانجام نمیدم و یا گرفتن روزه)
اینکه اکثرا میگن باید دلت پاک باشه و انسانیت داشته باشی و کاملا قبول دارم، بعد انسانیت و سالم زندگی کردن کاملا درسته اما پیرو دستورات دینی بودن یک موضوع دیگه است
اینکه نمیتونم کتاب قرآن رو به دلیل بعضی مطالبش بپذیرم (ارزش پایین زن، اختیارات بیشتر

مردان، نابرابری، مسئله حجاب که نمیتونم بپذیرم که یک مرد او قدر منزلتش پایین باشه که مثلا با موب
بنده تحریک بشه)
این مسائل منو دچار سردرگمی کرده
دوست دارم به یک باور عمیق عاقلانه و باثبات به تصویر دینیم برسم
امکانش هست راهنماییم کنید ؟

سلام به خاطره گرامی
حقیقتا این سوال را بهتره روحانیون جواب بدهند (که البته اکثرا مشغول سیاست و برنامه تلویزیونی و
سخنرانی و مشاوره اند)
آنچه من فهمیده ام اینست که غایت دین ، اخلاق است (گفته نبی اکرم بعثت لاتمم مکارم الاخلاق)
1- دین چند ساحت دارد (منبع اصلی این جمله را از نوشته جان ناس در کتاب معروفش درباره
شناخت ادیان اخذ کرده ام)
2- داستانها+ سنتها+ قوانین و شریعت+ اخلاقیات+ فلسفه+ پیشوایان
3- انسان در طول سفر زندگیش تغییر میکند، تصویر خداوند برای او متناسب با نیازهای دوران سفر
زندگیش تغییر میکند، خدای یک پسر 13 ساله او را در امتحاناتش موفق میدارد. خدای همان پسر در 18
سالگی برایش معشوقش را دل نرم میکند ، در 23 سالگی از خدایش میخواهد در امتحان پذیرش یک
دانشگاه عالی قبول شود و در 30 سالگی ، همسرش را موقع زایمان کمک میکند و در 40 سالگی در
بحران میانسالی تو از خدا میخواهی که از بی معنایی نجات دهد و ...
4- ما وجه انسانی خود را به درکمان از مفهوم خدا اضافه میکنیم طبیعتا. چنانکه میبینیم ، خدای ما با
ما تغییر میکند زیرا **خدای ما GOD IMAGE با خدای خالق GOD فرق دارد.** خدای ما طبیعتا تحت
تاثیر انسان بودن ماست که ادراک میشود.
حضرت امیرالمونین(ع) میفرمایند خدای مورچه ها در ذهنشان یک مورچه عظیم الجثه با چشمانی بسیار
بلند است که همه جارا میبیند. (متاسفانه هرچقدر گشتم نتونستم تو اینترنت اصل جمله را پیدا کنم)
5- وقتی من کودکی پر دردی داشته باشم، خدای من ، مفهوم هست که به من امنیت بناست بدهد. یعنی که
ادراک هر کس از خداوند تحت تاثیر **وضعیت روانکاوانه** او نیز قرار دارد.
بنابراین در فرم بالغانه ما به مفهوم خداوند میپردازیم و به همین میزان درست و اخلاقی زندگی میکنیم و
ادراکمان از دین را بسط میدهیم. **تفسیر فقهی از دین اگر مورد قبولتان نیست ، معنی این نیست که
تفسیر اخلاقی یا فلسفی از دین را تجربه نکنید**

مخلص

علیرضا شیری

محمد رضا افزود :

قال مولانا الامام باقر العلوم - علیه السلام

(توحید صدوق/بحار الانوار؛ ج ۶۹، ص ۲۹۳)

هر آنچه را با خطورات ذهنی خود در دقیق ترین معانی آن تشخیص می دهید، مخلوقی است مصنوع

مانند خودتان، به سوی خودتان بازگشت می کند، و چه بسا مورچه کوچک تصور کند که خداوند دو شاخک دارد، چرا که داشتن شاخک از برای آنها کمال است و می پندارد که نبودن آن(شاخک) نقص کسی است که متصف به آن(شاخک) نباشد، و این حال عاقلان است در مورد آنچه خدای متعال را با آن وصف می کنند!

گوش نیوش : به خودت نیاز !

#گوش نیوش 8 بهمن 94: به خودت نیاز !
در پاسخ به سوال یک خواننده سایت porsesh24.com که میخواهد به اهداف مالی و کاری اش برسد ، دکتر شیری متوجه یک مشکل میشود که برای حلش از دو منظر ورود میکند .
اگر کمال گرایی منفی زندگی شما را کند کرده ، اگر در رسیدن به اهدافتان درجا میزنید ؛ شنیدن این گوش نیوش 7.5 مگ و نزدیک به 15 دقیقه ، خالی از لطف نیست.
معرفی این صفحه و مطالبش به مردم ، قطعا “معجزه” نمیکند اما به آدمهای محترمی که دسترسی به مطب و دکتر و مشاور و ... اینها ندارند کمکهای خوبی کرده است؛
معجزه ، شما باید که بی تفاوت نیستید

چرا یک زن دزدگیرهایش را خاموش میکند ؟ (هشدار عاطفی)



سلام آقای دکتر، یه سوال داشتم،

خیلی وقته ذهنم مثل یه علامت سوال مونده

دوسال پیش پسری به قصد ازدواج جلو آمد با ویژگیهای زیر :

مغرور، باهوش، حساس،... اولش حسی بین منو اون نبود اما بعد سه ماه بهم علاقه مند شدیم، اون به

خاطر یه سری مشکلات از ایران رفت، اما بازم باهم در ارتباط بودیم، مگفت دوستم داره. اما تلفن اونجایی را که بود، بهم نمیداد!
من وقتی دیدم پیگیر نیست و لاش کردم، اما یک ماه نگذشته بود که بهم توی یاهو پیغام داد که دلم برات تنگ شده خیلی و دارم میام ایران... خیلی دوستت دارم! تعجب کردم، خوشحال شدم، اما اومد ایران اما حتی به من زنگم نزد!
دلیل این تناقضاتش را متوجه نمیشم.. ممنون میشم راهنمایم کنید

مریم خانوم

به احتمال زیاد ایشان از موارد تقلبهای ارتباطی در اینترنت است که سرکار گذاشته شما را و جایی حتی نرفته جز همین اطراف!

حتی خیلی از اینها متاهل هستند و با شخصیت های مجازی در اینترنت میگردند تا عقده های شخصیتی خود را زندگی کنند!

بنده معتقدم تا بفهمه شما خواستگار دارید یا به کسی دیگر متمایل میشوید، سرو کله اش پیدا میشه منتها جوابش را ندهید تا حریص تر بشه و از فضولی شروع کنه به تقلا کردن... اینها آدمهایی هستند که میخواهند تو ذهن دخترها خیلی استثنایی جلوه کنند ولی عملا توی رابطه چیزی برای عرضه ندارند!

قهرمان بیرون تشک کشتی هستند... و لاشون کنید و اصلا پا در دامشان نگذارید

اما بحث مهمتری که باید بدانید اینست که چرا یک دختر وقتی درونش و عقلش و تجربه اش بهش هشدار میدهد، باز بی اعتنایی میکند و پیش میرود؟

اینجا عنصری در درون یک زن است که اگر مراقبت نکند، دستمایه خسارتهای فراوانی در او میشود

زنان به فراست و شهود غنی درونی خود در طول تاریخ یاد گرفته اند که خطرات را رصد کنند. جنس ماده در تاریخ حیات نیز چون ویفه مراقبت از فرزندان را به عهده داشته خطر را از تغییرات بیرونی متوجه میشده و بچه ها را نجات میداده است. این شهود غنی امروز نیز بدرد خیلی از زنان میخورد که با شنیدن وعده ای عجیب غریب یک مرد یا مهربانی های بی دلیل یک آدم، احساس خطر کنند

وقتی زنی این دستگاه هشدار درونی را خاموش میکند و با خوش بینی های بی دلیل، خود را مستعد سقوط میکند، باید هراسید

فرق شهود و شرطی شدن

نکته مهم اینست که در مغز انسان عضو کوچکی است به نام هسته های آمیگدال که کارش دریافت اطلاعات از تالاموس است. نوعی شرطی شدن توسط این عنصر رخ میدهد که به فرد آگاهی غریزی میدهد تا خود را از مهلکه احتمالی برهاند. گاهی اوقات مثل دزدگیر، حساسیت این عضو بالا می باشد و اشتباهی موارد غیر خطری را نیز هشدار گزارش میکند...

بنابراین بین شهود یک زن و شرطی شدنش خوبه فرق بگذارید و این مستلزم کمی معاشرت است و شواهد کافی موید هشدار جمع آوری کردن

روی بدبختیها اسم نگذار! یه کاری بکن براشون

برای داشتن نبوغ عاطفی ، اینکه فقط اسم بدبختیها را بلد باشم که کافی نیست ، باید یه کاری هم براشون بکنم

در کلاس نبوغ عاطفی خیلی مطالب رد و بدل شد و خاطراتی شیرین از آموزش این مفاهیم فراهم آمد ، در انتهای دوره نبوغ عاطفی 2، حسن زرنگیان بخشهایی از تدریس دکتر شیری را به شکل کلیپی 4 دقیقه ای تقدیم کرده است :

احساس کردم از بودنم ناراحته

نمیدونم کی هستین و چی کار میکنین. ولی بدونین که اونقدر الان سردرگم که حس میکنم تیری که الان در این تاریکی پرتاب میکنم شاید به هدفی بخوره.

حدود یه سال به یه دختر که همکلاسم هستن علاقه دارم همین اخیرا دلم زدم به دریا بهش پیشنهاد دادم اونم به لطف شبکه اجتماعی. بهش گفتم قصدم ازدواجه و ادم عیاشی نیستم ولی خشک و سنتی نیستم و از این که با خیلیا گرمه ناراحت نمیشم. ایشون از همون اول بهم جواب رد داد و گفت حسی بهم نداره. البته اینم بگم که من خیلی یهویی رفتم جلو به طوری که خودش گفت که اصلا انتظار نداشته ادمی مثل من این کارو بکنه. میدونی تو یه شرایطی هستم که نمیخام بگم بده الان یه مدت خبری ازش ندارم ینی تو شبکه های اجتماعی هم دیگه نیستم فتم بذارم راحت باشه چون احساس کردم از بودنم ناراحته. ولی من خیلی دوستش دارم.

سلام مسعود عزیزم

شاید پیام مهم این قصه اینه باید به خودت و طرفت آمادگی بدی بعد اقدام کنی اینکه گفتم قصدت ازدواجه الزاما باعث همیشه حرفت با ارزش تر باشه زیرا در درجه اول باید محاسنت را به چشم یک دختر بیاری تا به دلش بنشیننی و بعدش رابطه جدی بخوای ازش من قویا توصیه میکنم تلخی این تجربه را مبدل کنی به رشد مهارت ارتباطیت ، با مطالعه با معاشرت با آدمهای قوی تر از خودت ممکنه دفعه بعد که بری سراغش ، افتخار کنه او باعث اینهمه تغییر شده

چگونه اطاعت کنیم یا نکنند؟ اسلایدهای جلسه

جدید

در جلسه پنجم مقدمات روانشناسی اجتماعی ، به بحث پیرامون نحوه هم‌رنگی در جامعه و اشکال اطاعت پذیری صحبت کردیم. فیلم اصلی آزمایش استتلی میلیگرم نیز برای حضار پخش شد که چگونه افراد بسته به میزان اطاعت پذیری خود، میتوانند جلوی وجدان خود را بگیرند یا نتوانند

خالی از لطف نیست که به کلیپ ویدئوی زیبای گروه پینک فلوید (the wall) در این باره اشارتی کنیم

که چگونه در برابر تقلای سیستمهای سنتی آموزشی برای یکدست کردن بچه های مدارس ، می ایستد کتاب خوبی که آزمایش میلیگرم را شرح و بسط کرده است توسط نشر اختران منتشر شده است تصویر زیر از آزمایش مشهور استنلی میلیگرم اخذ شده است .



اسلایدهای درس ” روانشناسی اجتماعی ” تا پایان جلسه سوم

به لطف الهی و همت اندیشگاه کتابخانه ملی ایران و همکارانمان در خانه توانگری ، هر جلسه روانشناسی اجتماعی با استقبال بیشتری از قبل ادامه می یابد. همکاران ما مشغول تهیه کلیه فایل های صوتی و تصویری برنامه برای کسانی اند که فرصت نداشته اند در این برنامه حضور یابند

در ضمن جلسه چهارم سه شنبه بعد ساعت 14 در ساختمان کتابخانه ملی ایران (اتوبان حقانی به سمت ونک، خروجی استخر کشوری) برگزار خواهد شد





آیا ” مرد شایسته ” یک هذیان است ؟

مرد شایسته کیست ؟

آیا چنانکه بعضی دختران عصبی زخم خورده از مردان عوضی ، کنایه میزنند ؛ وجود ندارد؟ شایستگی ، زن و مرد ندارد ، مال مقام انسان است ولی احتمالاً شکل بروزش در بانوان و آقایان ، متفاوت است شایستگی ، ساختنی است ، نه شانسی است نه ارثی !

اگر بنا باشد از مختصات شایستگی یک مرد بنویسم ، احتمالاً نکات زیر خواهد شد (و شما هم بیفزایید نظرتون را)

- با ادب است و متین ولی ادب و متانت ، دست و پایش را نمیبندد که لازم شد بخروشد
- مرد است و یادش نرفته که مرد مقداری کله شقی ، نرینگی و چند مولکول ، پیش بینی ناپذیری دارد
- از بیان احساساتش نمپهراسد، جرات ابراز عشق دارد و دلیر وادی عشق است ، پای عشق خیلی حساب کتاب نمیکند ، حداقل آگه بناست چند باری عاشق شود ، اونجا اهل قمار است
- شیربرنج نیست ، هپلی و شلخته نیست ، به جذابیت ظاهری و رفتاریش اهمیت میدهد ، تو ظاهرش وا نداده و بلد است چه موقع عین ببر وحشی از حریمش مراقبت کند
- اهل خاله زنک بازی ، گیز دادن به جزئیات بی ارزش ، مو را از ماست کشیدن نیست ، بلد است عین عقاب از امور پیش و پا افتاده فاصله بگیرد و در وقتی مناسب تر به آوردگاه زندگی بازگردد
- در برابر معنای بزرگتر زندگی ، قوانین عظیم هستی ، صاحبخانه اصلی عالم ، بی تفاوت نیست ، سوال دارد و برای پاسخش به جوابهای کلیشه ای دل خوش نمیدارد
- به طبیعت ، حیوانات و گیاهان به چشمی خیره مینگرد نه ابزاری برای عشق و حال
- اهل تئاتر ، موسیقی ، هنر و هیجان و مقداری ورزش و داد زدن سر فوتبال و کشتی و ... هست . زانوانش جازخم آسفالت کوچه های محل داره یا تو گل کوچیک یا تو دعوای زنگ آخر

برای داشتن چنین مردی باید خود نیز شایسته بود و بعضی اشتباهات را هرگز تکرار نکرد

علیرضا شیری



چگونه از چشم یک مرد شایسته بیفتید ؟ دو قانون

کلاس شخصیت سالم تر من - دوره بهار ۹۴

چطوری میشه جلوی صمیمیت بیش از حد در رابطه را گرفت ؟

چگونه از چشم یک مرد شایسته بیفتید ؟ دو قانون



قوانین افتادن از چشم يك مرد "شایسته"

اینقدر برای اهدافتان بجنگید که بیشتر یک "جنگجوی قابل احترام" دیده شوید تا يك "دختر خواستنی" !
هدفمندی مهم است ولی نه به اندازه ای که "مرد شایسته" ات خسته بشه

برای جلوگیری از بدفهمی منظور اصلیم ، دو نکته عرض میکنم :

1- مشاور بسیاری از دختران شایسته و موفق این کشور بوده ام ، به زره میدانم تنهایی و خستگی و نگاه حسرت آمیز به فرزندان هم کلاسیهای مدرسه ، در یک دختر 38 ساله با مدرک MBA و پوزیشن مدیریت ارشد یک کمپانی خارجی

معتبر در ایران با کلی دستاورد و ...چقدر تلخ است. من سالها به این زنان کمک کرده ام ، ازدواجهایی عالی کنند و آنرا دستمایه شادیهای دیگرشان کنند ، اینقدر کامنت مثبت واقعی گرفته ام از زندگی واقعی این زنان که نیازی به like شبکه مجازی ندارم . در نوشتن مطمئنم هرچند استثناها را رد نمیکنم. برای دختران شایسته سرزمین مینویسم و کاری به تئوریا و جریانات سرکاری محافل روشنفکرنا ندارم ، معنای لبخند یک زن را دقیقا میدانم که چیست ، پس اگر حوصله دقت در بحث ندارید ، وقتتان را حفظ کنید و برید کلی صفحات انگیزشی در نت هست برای دلخوشیتان، این پست کسانی نیست که نفسشان از جای گرم بلندمیشه

2- مرد شایسته ، در زندگیش به اندازه کافی جنگیده ، زنان زره پوش را میبیند ، درک میکند ، میستاید ولی بعید است آنها را بیش از “همکار” خود انتخاب کند. ” همسری” متعلق به زنیست که بلد است زره را به موقع از تن در آورد و اجازه دهد مرد ، مسوولیتهای جدی و فرسایشی سکانداری خانواده را به عهده بگیرد ؛

3- در آلمان 30 % زنان هرگز ازدواج نمیکنند ، بستر فرهنگی مردم المان چنین فضایی را فراهم آورده است و البته که همه این 30 % حسرتی نیز نمیکشند و فرصتهای دیگر سبک زندگی برایشان موجود است. اما در ایران ، قصه اینطور نیست ، چه خوشمان بیاید چه نیاید ! این فشار فرهنگی برای مجرد نماندن و فرزند داشتن البته که ستون پنجمی نیز در فردیت دختران ایرانی دارد زیرا هیچ شب یلدا و شب عید و ...نیست که نداشتن فرزند به چشم دختر موفق ایرانی در سن مثلا 35 سالگی نیاید. من انکار نمیکنم که زنانی هستند موفق در کشورم که سبک زندگی مجردی را پسندیده اند و موفقند اما نمیتوانم چشم بر اکثریتی که در این پست فیس بوکی گذاشته ام ، ببندم. یقینا در تحلیل مسائل زن ایرانی باید عقب ماندگی اجتماعی بسیاری از ما مردان را نیز لحاظ کرد ولی من نمی آیم فرصت طلایی فعلی را به ” تحلیل‌های بی انتهای” جامعه شناسی بگذارم در حالیکه پسران میتوانند تا 45 سالگی در این کشور ازدواجهای خوب کنند و این دیار بی رحم به دختر بالای 35 سال نگاه بسیار تلخ بیندازد ! یقین بدارید امثال من تیزهوشی درک این شرایط نابرابر را داریم و به همین دلیل است که بین تحلیل عملگرایانه (پراگماتیست) و قصه نویسیهای جامعه شناسایانه در این زمینه تفاوت بزرگی رخ میدهد. ما دنبال تحلیل نیستیم دنبال حل سریعتر ماجراییم. تحلیل گران بعدها فرصت دارند دلایل موفقیت عملکرد ما در تسریع ازدواج و شادمانی و رشد دختران موفق ایرانی را تحلیل کنند

4-زنان دهه 50 و 60 رشدهای باورنکردنی در تاریخ جامعه شناسی ایران کردند ، مردان ما اینقدر رشد نکردند ، این وسط تعدادی مرد هستند که شایسته اند ، زحمت کشیده اند هم درونی هم بیرونی. موقعیتهای حساس شغلی و مدیریتی و ...کسب کرده اند ، معنی جنگ را میدانند. دنبال دختر خنگ موطلایی هم برای ازدواج نیستند که وابسته باشد و بی عرضه. اما سوال دقیق اینجاست که آیا دنبال زنی هستند که عمده هویتش مدرک فوق لیسانس و پروژه های در پی و جنگ جویی های بی انتهاست ؟ احتمالا نه ! آنها زن باهوشی میخواهند که معنی “هارمونی” را بفهمد و بتواند برای مدتی هم که شده □ queen باشد نه king ! کمتر کار کند و احساس قربانی شدن نکند ، فرزندشان را از یکسالگی به جای اعطای عشق مادرانه ، به عشقهای کاذب مهدکودکها نسپرد. به جای کار تمام وقت ، نیم وقت کار کند و اعتماد کند به شایستگی مرد . دراین صورت مرد میدرخشد ، کمی بعد میتواند دوباره کار کرد دوباره پروژه برداشت ولی دست از مسابقه پیشرفت شغلی و مالی در زندگی زن کشید و به ارزشهای خانوادگی نیز بها داد

5- قبل از اینکه دوستان فمینیست ورم کنند ، عرض میکنم که مرد “شایسته” دنبال زن بی عرضه دست و پا چلفتی و وابسته نیست. موفقیت‌های همسرش را میستاید اما او را خسته از کار و دائم دنبال پیشرفتهای مردانه (پوزیشن و پول و ...) نمیخواهد .

مردی که شایستگی عنوان پادشاه king را دارد ، دنبال queen ملکه است نه یک پادشاه دیگه !



آنچه پدر و مادرتان به شما نگفتند: قوانین جدایی ۵-۶

وقتی درباره قوانین جدایی breaking law مینویسی خیلی ها رو ترش میکنند که آقا درباره وصال بنویسید ولی واقعیت اینست که در زندگی اکثر ما پیش می آید که از کسی جدا شویم ، اینها را برای ان روزهای سخت نوشته ام

قوانین جدایی 4-3-2-1



قوانین جدایی 4-3-2-1